



با وجود تأمین ۶ میلیارد دلار ارزش تریجی در نیمه نخست سال جاری قیمت کالاهای اساسی ۱۵ تا ۵۰ درصد افزایش یافت

ارز ۴۲۰۰ تومانی کار می‌کند؟

قیمت هر کیلو مرغ به ۴۰ هزار تومان، گوشت گوسفندی به ۱۶۰ هزار تومان و برنج خارجی به ۳۰ هزار تومان رسید

صفحه ۳

تیتراهای امروز

مراسم معارفه و تکریم فرماندهان جدید و سابق نیروی دریایی ارتش برگزار شد

دریادار ایرانی

حضور در مناطق دور دست
مأموریت نیروی دریایی ارتش



صفحه ۲

مجموع واکسیناسیون انجام شده: ۲۲/۵۴۸/۳۲۱ دوز

۹۱ درصد واکسن‌های تزریق شده در ایران، خارجی و ۹ درصد واکسن برکت بوده است

واکسیناسیون با تمام ظرفیت

سینوفارم: ۶۸ درصد - آسترزنکا: ۱۸ درصد
برکت: ۹ درصد - اسپوتنیک: ۴ درصد

بهارات: یک درصد

تعداد کل قربانیان ۱۰۲۰۳۸ نفر

۶۸۴

جان باختن ۶۸۴ نفر از هموطنان در ۲۴ ساعت

صفحه ۴

نماینده‌گان مردم به بررسی برنامه‌های وزاری ارتباطات، اطلاعات، اقتصاد و امور خارجه پرداختند

روز دوم

سنجش صلاحیت

صفحه ۵

نگاه

نقدی بر یادداشت

محسن کدیور

ابودر غفاری‌راه: آغاز قرن جدید با یک رویداد سیاسی بزرگ در عصر جمهوری اسلامی در ایران مصادف شده است. اهمیت این رخداد سیاسی به اندازه‌ای است که نمی‌توان از حواشی قبل و بعد از آن براحتی عبور کرد. انتخابات همیشه برای ملت و دولت جنبه حیثیتی داشته؛ هم از جهت داخلی هم از منظر بین‌المللی. انتخاباتی را برگزار می‌کنیم و تا ۴ سال در مقابل بازیگران عرصه سیاست در جهان بی‌مهمیم و از آن به عنوان ابزار قدرتمند ملت خود یاد می‌کنیم. انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ از جهات مختلف واکنش‌هایی را نسبت به عوامل اجرایی و نظارتی و کاندیداهای آن به وجود آورده است که مورد نقد و بررسی جریان‌های مختلف سیاسی قرار گرفته است.

برخی روشنفکران نیز نقدهای رادیکالی بر این انتخابات ارائه کردند. یکی از این شخصیت‌ها محسن کدیور است که بعد از تنفیذ ریاست جمهوری در دوازدهم مرداد ۱۴۰۰ یادداشتی را تحت عنوان «فصل سرد حاکمیت در ایران» منتشر کرد و نتیجه یکدست شدن حکومت را سقوط جمهوری اسلامی می‌داند که در مدت زمان کوتاهی محقق خواهد شد. در این نوشته، تحققی مدلل حاکمیت مردم‌سالاری دینی، بیانیه گام دوم انقلاب، مدیریت جهادی و اقتصاد مقاومتی که جزو برنامه‌ها و وعده‌های رئیس‌جمهور است، در قالب عباراتی غیرممکن معرفی شده و به صورت تلویحی مورد استهزا قرار گرفته است.

اینکه وعده‌های رئیس‌جمهور منتخب در قالب این اصول و مبانی انقلاب عملی می‌شود یا خیر مورد بحث ما نیست، بلکه ما در صدد هستیم به صورت کوتاه با یادآوری مبانی اندیشه‌ی کدیور یادداشت او را مورد نقد قرار دهیم.

۱- یادداشت آقای کدیور صرفاً یک ماهیت زورنالیستی دارد و فاقد ماهیت علمی است. جنس این نوشته بی‌شابهت به تحلیل‌های دهه ۷۰ نیست؛ زمانی که سخن از بن‌بست حکومت با ولایت فقیه می‌زدند.
۲- عنوانی که آقای کدیور به کار می‌برد (فصل سرد حاکمیت یکدست) از ۲ منظر قابل تامل است. الف) این عنوان غیرتساز است، به عبارت دیگر سعی می‌کند بخشی از جمعیت سیاسی کشور (اصلاحات) را در مقابل نظام قرار دهد و به صورت تلویحی این جریان سیاسی را خارج از دایره نظام و انقلاب و مجموعه حاکمیت تعریف کند.
ب) آقای کدیور در صدد است از این عنوان تصویری خوشونت‌آمیز ارائه دهد، گویا قرار است در سال‌های پیش‌رو حقوق اساسی افراد و آزادی‌های مشروع آنها سلب شود...

ادامه در صفحه ۶

بایسته‌های رسانه‌ای مواجهه با طالبان چیست؟

نه تخریب، نه تطهیر؛ احتیاط!



صفحات ۷ و ۲

نیروهای ارتش آمریکا حاضر در فرودگاه کابل

از مردمی که خواهان خروج از کشورشان هستند از ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ دلار اخاذی می‌کنند

نظامیان سرگردنه!

کرنا علیه سلامت روانی جامعه

در رسانه ملی نیز سطح آسیب‌های ناشی از استرس‌ها و آسیب‌ها در ایام کرنا به درستی و با منطق، فهم و درک نشده است. این در حالی است که با توجه به مطالعات میدانی و مشاهداتی و پرسش‌هایی که از مبتلایان به کرنا صورت می‌گیرد، آنها پیش از ابتلا به این بیماری، از یک ترس و وحشت بی‌امان ناشی از احتمال ابتلا به کرنا رنج می‌بردند و حتی عده‌ای ماه‌ها خود را در خانه به سبک قرنطینه افراطی حبس کرده بودند که نمونه ابتدایی این دست افراد با این سبک زندگی محبسی به کرنا در میان مبتلایان بسیار یافت می‌شود و یکی از ریشه‌های پدید آمدن این مساله، همپایز وحشت به جای آگاهی‌بخشی امن و سالم است.

در مجموع تبعات سیاسی و اجتماعی کرنا با توجه به اینکه دیگر حتی یک محیط خانگی هم برای برخی به عنوان محیط ایمن بوده است و روانی نیست، جامعه و مردم را با نوعی پذیرش و تسلیم در برابر مرگ که گفته شد رسانه با همپایز وحشت محتوای رسانه‌ای را به مردم منتقل می‌کند، این در حالی است که این رویه دیگر شکست خورده است و مردم به نوعی به بی‌حسی در مقابل فشنرها و کوران‌های روانی ناشی از وضعیت

صورت تداوم و عدم درمان و رسیدگی، به افسردگی و افسردگی و سرانجام پذیرش و کنار آمدن با مساله یک فقدان یک عزیز یا کسی که مورد تعلق خاطر است و بازگشت به زندگی طبیعی و جاری. آنچه بسیار حائز اهمیت است طی کردن نرمال این مراحل برای عبور از بحران فقدان است و به محض آنکه یک نفر در یکی از این مراحل ذکر شده تثبیت شود، سایر جنبه‌های زندگی او نیز از آن مرحله تاثیر گسترده، عمیق و طولی می‌پذیرد. مهم‌ترین مرحله که در صورت عبور از آن یا تثبیت در آن، فرد با یک تحول مثبت یا منفی در زمینه ارتباط درونی و بین فردی و اجتماعی مواجه می‌شود، مرحله افسردگی است. در مقابل، در این ایام چند ساله کرنا، یک مورد که بررسی شده است و به نگارش و انتشار مقالات علمی نیز منتج شده است، نوعی افسردگی پساکرونا برای کسانی است که به کرنا مبتلا بوده‌اند. حال اگر این افسردگی خاص با افسردگی ناشی از سوگ فقدان یکی از اعضای خانواده یا یک سوگ جمعی و اجتماعی در گستره جامعه ناشی از مرگ‌ومیر گسترده هم‌راستا و موازی هم قرار گیرند، در یک چارچوب مقوم منسجم، منجر به تثبیت فرد در افسردگی از وضعیت مزمن و نورو تیک تا حد و سایکوتیک و اساسی می‌شود و حتی ممکن است در

توجه به عوارض روانی ناشی از کرنا در دوران پاندمی فعلی و همچنین معضله‌های پیدا و پنهان روانی مانند افسردگی‌ها و وسوسه‌ها و اضطراب‌ها و استرس‌های پس از سانحه کرنا در آینده نزدیک است. بر این اساس هر چه رسیدن به نقطه امن واقعی در کنترل کرنا طولانی‌تر شود، سلامت عمومی با یک ضریب تصاعدی در سطح گسترده با استرس و اضطراب نیز روبه‌رو خواهد بود و پیش‌بینی می‌شود جامعه طی حداقل یک دهه جاری با اختلال استرس پس از سانحه با نسبت از مزمن تا حد روبه‌رو باشد که ریشه در موج استرس‌هایی دارد که در ایام طولانی پاندمی با خود حمل می‌کند و انتقال می‌دهد.

با توجه به مراحل موسوم به سوگ که تقریباً در حدود ۳ ماه طول می‌کشد، جامعه بویژه خانواده‌های داغ‌دیده از کرنا از یک سو با سوگ فردی ناشی از فقدان عزیزان شان روبه‌رو هستند و از سوی دیگر با یک سوگ اجتماعی ناشی از افزایش سرسام‌آور و هولناک مرگ‌ومیر و انتشار اخبار آن که جامعه را همواره عزادار می‌کند و فضای گسترده مجازی نیز در تثبیت و کندی پیشرفت این مراحل سوگ در بازه‌های بلندمدت نقش مهم دارد. دوران سوگ از ۵ مرحله اصلی تشکیل می‌شود: انکار، خشم و عصبانیت و بغض ناشی از فقدان، حسرت

یادداشت
بوریا فرجی: وقتی موج سریع و ناشناخته کرنا کشور را نیز مانند سایر بلاد و مناطق پیرامونی ایران و اقصی نقاط جهان درنوردید، بیشتر توجه‌ها به مقابله سریع و کنترل این پاندمی مهلک بود. سرعت شیوع و انتقال و همه‌گیری در تک‌تک کشورهای مبتلا به قدری بالا بود که سایر جوانب ناشی از پاندمی کرنا بالاخص عوارض جدی و پنهان روانی آن مغفول ماند. با فروکش کردن موج کرنا در برخی کشورها و تسریع در گسترش فراپند عملیات واکسیناسیون در کشورهای جهان، به مرور عوارض پسینی ناشی از پاندمی کرنا در قالب اضطراب و افسردگی و وسوسه‌ها خود را نشان خواهد داد و این مساله تا مدت‌های مدید انسان را به خود مشغول خواهد کرد و حتی ممکن است به بروز برخی کژکاری‌های ژنتیکی و تهدید سلامت نسل منجر شود.

ایران با توجه به آنکه سرعت سیر شیوع و گسترش کرنا نسبت به موج واکسیناسیون در آن دارای ضرابهنگ افزایشی است، بسیار از جنبه یک‌دستی عوارض روانی ناشی از کرنا با خود، در کنار معضلاتی مانند ضعف در واکسیناسیون و کمبود آن، در معرض بحران توأم است؛ از این رو آنچه همواره مورد یک غفلت بزرگ در نظام سلامت هم‌جانبه کشور است، عدم